



# غوغای خموشتن

آرمان آرین

مجموعه دل نوشته‌ها، مناجات‌ها،  
مقاله‌ها، سفرنوشته‌ها و خواب‌ها

## فهرست

### دل نوشته‌ها

مجموعه‌ی ۷۶ متن کوتاه از دست نوشته‌ها و دل‌گویی‌های پراکنده

۷

### مناجات‌ها و نجواها

مجموعه‌ی ۳۰ متن برای بازگویی حماسه‌ی برترین وجود جهان‌ها

۹۳

### مجموعه‌ی مقاله‌ها

مجموعه‌ی ۳ متن در موضوعات دینی، ملی و تاریخی

۱۳۳

### سفرنوشته‌ها

یک مقدمه و چهار سفر نوشته

۱۸۱

چه رؤیاها که می‌آیند...

(مجموعه‌ی ۱۲ خواب مؤثر دیده شده)

۲۷۹

### فهرست منابع

۳۰۴

## کشفی که آسان است

چه چیز بالاتر، گویاتر از مسیر زیستن هر انسان می‌تواند حقیقت نهان جهان را به ما نشان بدهد؟

آدمی می‌آید. می‌سازد. بهره می‌برد و می‌رساند. می‌رود.  
او در برابر جهان، نه قابل اتکاست و در برابر یکتا خدا، نه قابل اعتنا!

3EBROOK.COM



## اژدها هرگز...

چه شب‌های تلخی‌ست بر این زمین.

اینک همچو سراسر تاریخ، بوی خون می‌آید؛ جوی خون...

اژدها هرگز به خواب نرفته بود. خود را به خواب، به پیری می‌زد تا گمان کس نرسد که چه هولناک دلی در اندرون خویش دارد و چه سرکش آتشی در آتشدان سَمینِ حلقومش.

«کم گناهان» را نشان کرده اژدها با چشمان تاریک اهریمنی‌اش.

زود آشکار خواهد شد که سرانجام آیا رقیبی خواهد داشت یا همچون ضد اسطوره‌ای مهیب، همه چیز را در آتشان خویش فرو خواهد سوخت تا عصر طلایی انسان، دیگر بار برای هزار سال به دوردست‌ها پرتاب شود؟! یاران اژدها به جنازه‌ها نیز حتی رشک می‌ورزند؛ به جان‌هایی که در تنها نیست دیگر؛ به تن‌هایی که همچون درفش افراشته‌اند، ستم ستیز و خموش.

چه روزهای سیاهی؛ تباهی. شرم دارد روز که بردمد و شب هر چه می‌کوشد بپوشد نمی‌شود... که گناهان اژدها و یاران وقیحش بر شهر سایه گسترده‌ست.

مگر خدای رحم آرد بر «کم گناهان» از دُزخیمی این هیولا که در کار بلعیدن سرتاسر زمین است.

## نفرت به جای عشق

آنگاه که با بی‌خردی، «عشق» را از میان برداشتی گمان نکردی که  
«نفرت» به‌زودی جوانه خواهد زد؟!!

زمانی که عشق را از «سازندگی» انداختی، نیندیشیدی که به‌زودی  
«جنسیت» بیداد خواهد کرد؟!!

این شد که شعرها، ترانه‌ها و آوازهای زمان ما مملو از نفرت شدند؛ از  
«برو... برنگرد... نمی‌خواهمت دیگر... اشتباه بود دوست داشتنت... و دیگر  
دوستت ندارم!»!

واای... خستگی غوغا می‌کند.

جنسیت‌گری و تنوع‌جویی، جای مهرِ راستین را گرفته است.  
اینک دیگر کار از کار گذشته؛ شاید در آینده راهی بسوی بازگشت  
مهربانی مهیا شود... شاید!

## رگ‌های روح ما

روح همچو جسم، رگ، حجم و جریان دارد اما بجای خون، اندیشه و حس و فهم در آن جاری‌ست.

هر تصویر که ببینی، هر صدا که بشنوی، هر آنچه ببویی یا لمس کنی یا بچشی از «جسم» تو به «ذهن» و از ذهن به «روح» تو خواهد تراوید. این است که بر هر چه مداوم شوی، روح‌ات همان بوی و رنگ به خود می‌گیرد.

زندگی در شرایطی شلوغ و پُرتنش یا در قرارگاهی آرام و دلخواه؟ زیستن با پاکی و درست دینی در میان مردمانی نیک سرشت یا بودن با دروغ و بددینی در میان مردمانی نان به نرخ روز خور و درتده؟ همه چیز سرانجام به روح می‌رسد. همه چیز سرانجام در رگ‌های روح جریان می‌یابد. همه چیز در روح، جاودانه ثبت می‌شود.

## انگیزه‌های دروغین و انگیزه‌ی راستین

انگیزه‌های ما آدمیان چه تهی، چه پوشالی‌اند!  
یک روز که می‌نشینی و درست می‌اندیشی، می‌بینی در میان هزارها  
انگیزه زندگی کرده‌ای که صدی یک‌شان هم راستین و مفید نبوده‌اند!  
انگیزه‌های معنویات سست و انگیزه‌های مادیات بی‌پایه و بی‌پایان  
بوده‌اند و انگیزه‌های شخصیات تا چه حد، هوس بازانه و دور و  
خودخواهانه.

عمر را پای همسر و فرزندان، خانواده، معاش، جامعه و دوستان و  
سرزمینات، فکرهای روزمره و فلسفی و عقیده‌های گذرانده‌ای و سرانجام  
می‌بینی که چقدر خسته‌ای! چقدر کوشیده و تا چه اندازه پژمرده‌ای!  
آری؛ این رنج انسان است و شفایی ندارد مگر «ایمان به یکتا خدا» که  
ایمان، آخرین حلقه‌ی اتصال امیدواری‌هاست میان انسان با حقیقت جهان.  
وای اگر این حلقه گسسته شود و انسان با زنجیری پاره در فضای  
انگیزه‌های گوناگون سرگردان گردد با کلافی سردرگم از خواسته‌های  
بی‌انتها...

آری... همسر خواهد جان سپرد و فرزند خواهد رفت و معاش سپری  
خواهد شد و توده‌ها به آسانی خوردن آب، تو را خواهند فروخت و  
سرزمینات روزی آرامگاه تن تو خواهد گردید.



این کتاب، یک اثر داستانی نیست، اما چگونگی زیرساخت های انبساطی نویسنده را آشکار می کند که در پنج بخش متنوع است:  
هفتاد و شش واگویی شخصی، سی متن برای یکتا خدا، سه مبحث در موضوع دین، تاریخ و هویت ایرانی، چهار سفرنوشته از چهار شهر و دوازده روای مؤثر در آفرینش آثار نویسنده را شامل می شود.

